

سرمقاله

حامد رحیم پور
info@khorasannews.com

فرصتی که این بار شما سوزانید!

مار اتن کیش در این پنج سالی که برگزار شده است از بسیاری جهات اتفاق خوب و حتی می شود گفت در سطح منطقه بی نظیری است! اما متاسفانه طی روز های اخیر این رویداد بزرگ نزدیک به ۱۲ هزار نفری، به جای آن که با وجوه مثبتش شناخته شود و نگاه و روایت رسانه ها از آن ناظر به دستاوردهایش باشد به حواشی آن معطوف شد؛ یعنی از مار اتنی که در دونوبت برای آقایان و خانم ها با استاندارد جهانی و در مسیری بی نهایت زیبا و با زیر ساخت مطلوب برگزار شد، فقط تصاویر و ویدئوهایی مورد توجه قرار گرفت که مربوط به اندک شرکت کنندگان خانم با پوشش مبتذل بود. البته در این زمینه نمی توان به منتقدان ماجرا خرده وارد کرد؛ چرا که این فرصت خوب توسط خود عوامل مار اتن و همان معدود شرکت کنندگان سوخت و همه چیز به سمتی رفت که حاشیه، مرکز توجه باشد. بد نیست بدانید این مار اتن ثبت جهانی شده، در زیبایی مسیر، بسیاری از رویدادهای مشابه در گوشه و کنار دنیا را جا گذاشته، استمرارش باعث توجه به ورزش همگانی، ایجاد نشاط در جامعه و بین خانواده ها و معرفی کیش و جذابیت های بی نظیرش به دنیا شده، زمینه را برای رونق گردشگری و هتلینگ فراهم کرده و حتی اگر دیدمان را به فرصت های این مار اتن وسعت دهیم می فهمیم زمینه کاهش سفر و خروج ارز به خاطر شرکت در مار اتن هایی مثل دبی را هم فراهم می کند و تلخ است که روایت غالب از این رویداد بشود بحث پوشش آن هایی که حتما می توانستند با دقت بیشتری در آن شرکت کنند تا امکان استمرار آن با رواداری بیشتری فراهم باشد. واقعیت این است طی چند وقت اخیر جامعه به تعادلی در می بحث پوشش رسیده و حساسیت ها روی حجاب سر مثل قبل نیست؛ اما این تعادل شکننده می تواند با رفتار های نادرست و نسنجیده ای مثل آنچه در مار اتن امسال گذشت دچار چالش شده و نه تنها اتفاقی خوب مثل مار اتن کیش را تحت الشعاع قرار دهد بلکه زمینه برای چالش هایی که در حال حاضر به مصلحت انسجام ملی نیست فراهم شود.

یادداشت روز



غلامرضا بنی اسدی
info@khorasannews.com

روز دانشجو و دانشجویان بی تفاوت!

اول می خواهم به روش استقرایی بنویسم، می خواهم آرزوهایم را قلمی کنم. در آخر ما در آخر به شیوه قیاسی دردهایم را خواهم نوشت. پس فصل اول را با من بخوانید؛ ۱۶ آذر فراتر از یک روز در تقویم، خطِ اولِ دفتری است که سال هاست دانشجوی ایرانی آن را نوشته، ورق زده و هرگز بسته نشده است. آنچه در آذر ۱۳۳۷ رخ خورد، جرقه ای بود که مسیر نقش آفرینی نسل های متعدد دانشجویی را روشن کرد؛ اما این صحیفه، فقط یک صفحه ندارد. کتابی است هزاران صفحه ای از حضور، آگاهی، مطالبه گری و مسئولیت پذیری. از روز های پس از کودتا و سال های خفقان تا شعله های انقلاب، از روز های دشوار دفاع مقدس تا مشارکت علمی و اجتماعی در دوران بازسازی و مقاومت در برابر فشار های خارجی تا حضور مؤثر در «جنگ ۱۲ روزه» روایت های امروز، دانشجو هیچ گاه فقط تماشاگر نبود. او کنشگری بوده است که شرایط را نه صرفاً تحلیل کرده که تغییر داده است. خط سرخ آن سه آذر اهورایی، مصطفی بزرگ نیا و احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی در تحریر مسئولیت ملی و انقلابی، تبدیل به سرمشق شد برای نسل هایی که پس از آن آمدند. دانشجو در هر عصر، با آگاهی از گذشته و چشم به آینده، آن خطر ادامه داده و هر بار معنای تازه ای به آن بخشیده است. در این باور، دانشجو، قوه عاقله کشور است؛ موتور جست وجوی حقیقت، آرمایشگاه اندیشه و پیرشان پیشرفت. هیچ تحول ماندگاری بدون نقش دانشگاه شکل نگرفته است؛ چرا که آینده در دهن دانشجوی امروز طراحی می شود. اجازه دهید این ضرورت را هم یادآور شوم که امروز نیز بیش از هر زمان دیگر، کشور به این قوه عاقله نیاز دارد؛ به دانشجویی که نه منفعل باشد و نه منزوی، بلکه تحلیل گر، مطالبه گر، خلاق و آماده ساختن فردایی بهتر. ۱۶ آذر یادآوری همین ضرورت است؛ این که دانشگاه باید بیدار بماند، حقیقت را از میان غبار هیرون بکشد و مسئولیت پیشبرد کشور را، آن گونه که شایسته شأن آن است، بر دوش گیرد. این آرزو خوانی را به همین جاتمام می کنم اما فصل دوم را با من بگریید و بخوانید؛ امروز چقدر از دانشجویان ما این گونه اند؟ جواب را همه می دانیم و خدا کند آنانی که باید هم بدانند. من فکر می کنم باید برای دانشجویی که می آید و سرمان هوار می کشد باید "هورا" کشید. او اهل فهم است. از قبيله در دا ست. سرمایه ای است که باید قدر دانست. حتی آنی که در برابر مان قرار می گیر ند هم قابل احترام اند و سرمایه ملی. از این باید ترسیم که بسیاری از دانشجویان از مرز های مخالفت هم فرسنگ ها گذشته اند و به وادی بی تفاوتی و ناامیدی رسیده اند. نمی خواهم بگویم اینان بیشترند، سالن های جلسات و مناظرات خود می گوید آمار دانشجویان متفاوت حالا به سويه نگاه به نسبت بی تفاوت ها چند چند هستند. خطر را نباید در نگاه های متخالف دید بلکه خطر اصلی در جایی است که نگاهی وجود نداشته باشد. خطر این جاست که دانشگاه به جوانانی گرفتار شود که «دنیا را آب بیرد، دل اینان را خواب می برد». در فصل خواب هم بهار و تابستان و پاییز و زمستان برای شان فرقی نمی کند. کشور هم از پایمی افتد از سنگینی بار خواب آلودگان. نمی خواهم یادداشت چنین تلخ تمام شود پس با هزار دعا و آرزو، به یاد می آورم که دفتر نقش آفرینی دانشجو هنوز باز است. خط اولش سال ها پیش نوشته شد، اما ادامه آن را دانشجوی امروز باید بنویسد و خدا کند چون اسلاف خویش پر افتخار بنویسد. ان شاء....

دوره می طراحان نظم نوین

سفریوتین به دهلی نو، نماد بازتعریف معادلات قدرت در جهانی است که از «بازی برد-برد» عبور کرده و به سمت «نظم چندقطبی فعال» حرکت می کند



هدف گذاری کرده اند.

هند و روسیه؛ طراحان اجرایی نظم نوین

گرچه هند نمی تواند و نمی خواهد پیوندهای خود با غرب را قطع کند و همچنان جایگاهش در برابر پاکستان و اقتصاد جهانی مؤثر است، اما اکنون به این جمع بندی مشترک با روسیه رسیده که جهان تک قطبی رو به افول است. همگرایی دهلی-مسکو نه فقط یک رابطه دوجانبه یا همکاری بریکسی، بلکه بخشی از مهندسی نظم نوین چندقطبی است؛ نظامی که با محوریت توازن، تنوع روابط اقتصادی، کاهش سلطه دلار، و شکستن انحصار امنیتی غرب در حال شکل گیری است. تجربه نشان داده هر عقب نشینی در برابر ساختار سرمایه داری تنها به مطالبه گری بیشتر غرب می انجامد. از همین روز ندیکی هند و روسیه نه حرکت تاکتیکی، بلکه انتخابی راهبردی در جهت حضور فعال در معماری قدرت جهانی است؛ معماری ای که به وضوح در دهلی کلید خورده و پیام آن برای جهان روشن است: غرب تنها گزینه نیست.

روابط دفاعی با مسکو، خرید اس-۵۰۰، و اصرار بر حفظ خط انرژی با روسیه علایم روشن این بازتعریف هستند.

مسکو؛ تثبیت بازدارندگی و توسعه عمق راهبردی

روسیه درک کرده است که مذاکرات با واشنگتن اگر چه در تاکتیک مفید است اما در راهبرد، قابل اتکا نیست. پوتین صریح می گوید که آزادسازی دونباس و نوروسیه هدفی قطعی است؛ یا با خروج او کران یا با پیشروی نظامی. در کنار میدان، دیپلماسی انرژی و فناوری هسته ای به ستون جدید قدرت روسیه بدل شده است. تحریم های غرب نه تنها روسیه را متوقف نکرد، بلکه ابزاری برای بارگیری فعال مسکو شد؛ قرار دادهای هسته ای با ایران، توسعه شبکه حمل و نقل رشت-آستارا، گسترش همکاری های شانگهای و بریکس و طرح تجهیز کشورهای پیمان امنیت جمعی با سلاح های روسی، همه بخشی از سیاست کاهش پذیری فشار غرب هستند. سفر پوتین به هند، در اوج تهدیدات آمریکا، جلوه عملی همین راهبرد است؛ جایی که دو کشور سناریوی تجارت ۱۰۰ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۳۰ را

اینترنت ۲۰ درصد گران شد، کیفیت چقدر بهتر می شود؟

در شرایطی که تقریباً تمام هوش و حواس کاربران، مشغول موضوع رفع فیلترینگ و نیز ناپسامانی کیفیت خدمات اینترنت است، دولت رسماً افزایش ۲۰ درصدی تعرفه بسته های اینترنت همراه را اعلام کرد

کیفیت انجام می شود. اما در ایران، اپراتورها گزارش شفاف ارائه نمی دهند و گولاتور نیز افزایش تعرفه را به بهبود کیفیت گره نمی زند. نتیجه آن است که کاربران، افزایش قیمت را به صورت تصمیمی یک طرفه و بدون تضمین برای توسعه شبکه مشاهده می کنند. در شرایط تورم بالا و نوسان نرخ ارز، اصلاح منطقی تعرفه ها اجتناب ناپذیر است. این اصلاح باید مرحله ای، شفاف و متناسب با توان مالی مردم باشد. دولت و گولاتور موظف اند جزئیات افزایش تعرفه، تفاوت ترافیک داخلی و بین الملل و بسته های مختلف اینترنتی را به صورت شفاف اعلام کنند. همزمان، اپراتورها باید برنامه مشخصی برای توسعه و نگهداری شبکه ارائه دهند تا کاربران بابت هزینه ای که می پردازند، کیفیت خدمات قابل قبولی دریافت کنند.

آینده صنعت ارتباطات ایران می تواند ۳۰ درصد سریع تر شود

اول) ادامه روند فعلی و افزایش تدریجی تعرفه ها که کیفیت شبکه را حفظ نمی کند و تنها آن را شانزده تکه می دارد.

دوم) افزایش واقعی و بزرگ تر تعرفه ها همراه با تعهدات الزام آور برای بهبود کیفیت و توسعه شبکه؛ مسیر پر چالشی که می تواند ساختار صنعت را بازسازی کند.

سوم) ادامه فشار اقتصادی در کنار عدم سرمایه گذاری که می تواند به افت شدید کیفیت، از کار افتادگی ظرفیت های شبکه و مهاجرت کاربران به اینترنت جایگزین مانند VPN منجر شود.

افزایش ۲۰ درصدی تعرفه اینترنت همراه، بیش از آنکه یک تغییر قیمتی ساده باشد، نمادی از بحران ساختاری صنعت ارتباطات ایران است. اصلاح منطقی تعرفه ها، همراه با شفافیت و برنامه توسعه شبکه، تنها راه حفظ کیفیت و پایداری خدمات دیجیتال کشور است. در غیر این صورت، شبکه به تدریج فرسوده می شود و شکاف میان توان مالی اپراتورها و نیاز های توسعه ای، هر روز گسترده تر خواهد شد.

صنعت ارتباطات ایران طی دوه ده گذشته بر پایه «ارزان فروشی» بنا شده بود؛ مدلی که در سال های اولیه با رشد سریع مشترکان جوابگو بود. اما از نیمه دهه ۹۰، با جهش هزینه تجهیزات، تحریم ها و نیاز به توسعه شبکه های جدید، این مدل دیگر پاسخگو نیست. کاهش سرمایه گذاری باعث افت کیفیت خدمات شد و همین افت کیفیت، در گولاتور را از اصلاح تعرفه ها بازداشت؛ تثبیت تعرفه ها نیز مانع بهبود کیفیت شد. این چرخه معیوب امروز به بحران ساختاری تبدیل شده است، جایی که اپراتورها و گولاتور هر کدام دیگری را مسئول وضعیت فعلی می دانند.

ثبات تعرفه ها، فرسودگی تجهیزات، کاهش ظرفیت پاسخگویی و افت کیفیت خدمات را تشدید کرده است.

نرخ ارز باعث شده تجهیزات حتی تا ۱۰ و در برخی موارد تا ۲۰ درصد گران تر از قیمت های جهانی تهیه شوند. نتیجه آنکه، شبکه نه تنها قادر به توسعه نیست، بلکه فناوری های نوینی مانند 5G نیز با متوقف شده یا با تأخیر پیش می رود. فعالان بازار فناوری اطلاعات ادعا کرده اند که افزایش ۲۰ درصدی تعرفه، تنها بخشی از کمبود مالی را جبران می کند و به تنهایی موتور توسعه شبکه را روشن نخواهد کرد

فقدان شفافیت و اعتماد عمومی

اما این فقط یک سوی ماجرا است، سویی که به عرضه کنندگان خدمات اینترنت برمی گردد. سوی مقابل مربوط به مردم به عنوان مصرف کنندگان و گیرندگان این خدمات است. چیزی که در برخی نظر سنجی ها کشف شده است نارضایتی نسبی مردم از خدمات اینترنت است. یکی از مهم ترین دلایل بی اعتمادی عمومی، نبود رابطه شفاف میان قیمت، کیفیت و سرمایه گذاری است. در بسیاری از کشور ها، افزایش قیمت اینترنت همزمان با اعلام برنامه های توسعه و شاخص های

اینترنت هم به فهرست بلند اقلامی پیوست که مشمول افزایش قیمت شده اند. در شرایطی که تقریباً تمام هوش و حواس کاربران، مشغول موضوع رفع فیلترینگ و نیز ناپسامانی کیفیت خدمات اینترنت است، دولت رسماً افزایش ۲۰ درصدی تعرفه بسته های اینترنت همراه را اعلام کرد؛ تصمیمی که اگر چه کمتر از نرخ تورم عمومی است، اما برای خنارهایی که در فشار معیشتی قرار دارند، همچنان سنگین محسوب می شود. این افزایش نه یک اتفاق اقتصادی ساده، بلکه بازتاب یک ناترازی عمیق و طولانی مدت در صنعت ارتباطات کشور است؛ صنعتی که سال هاست با اختلاف میان هزینه های دلاری و درآمدهای ریالی، کاهش سرمایه گذاری و فرسودگی شبکه دست و پنجه نرم می کند.

چرخه معیوب قیمت و کیفیت

اپراتورها بارها اعلام کرده اند که هزینه های توسعه و نگهداری شبکه به طور عمده ارزی است، اما درآمدها ریالی است. این شکاف، توان آن ها برای سرمایه گذاری در ارتقای شبکه و فناوری های نوین را کاهش داده است. در مقابل، مردم هم کیفیت خدمات مناسبی دریافت نمی کنند، بنابراین هر تغییر قیمتی، حتی محدود، بدون شفافیت کافی، به چشم فشار یک طرفه دیده می شود.

نگاهی به آمار نشان می دهد از سال ۱۳۹۶ تا امروز، تعرفه اینترنت همراه تنها ۱.۶ برابر شده است، در حالی که به تخمین مراکز تحلیل اقتصادی، در همین مدت، درآمد خانوار ها ۱۳ برابر و قیمت اقلام اصلی سفره خانوار بیش از ۲۰ برابر شد داشته است. این فاصله بزرگ نشان می دهد افزایش تعرفه ها نه تنها دیر هنگام، بلکه ضروری برای پایداری شبکه است.

برخی کارشناسان گفته اند که مدل اقتصادی

